

چگونه داستانک بنویسیم؟

داستانک‌نویسی در کلاس درس انشا

بهرام رضایی ویشه سرایی

کارشناس ارشد ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های ناحیه ۲ رشت

چکیده

از عمر حدود چهارصدساله داستان چند سال آن به داستانک مربوط می‌شود؟ آغازگر آن که بود و یا اصلاً آیا می‌توان آغازگری برای آن تراشید و یا با جست‌وجو در متون ادبی و غیرادبی او را یافت؟ نویسنده در این مقاله درصدد پاسخ گفتن به این سؤال‌ها و سؤالات مشابه نیست و حتی بدون اینکه در پی یافتن تعریفی جامع برای داستانک باشد، بیشتر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که چگونه می‌توانیم داستانک بنویسیم و کلاس درس انشا را به کلاس داستانک‌نویسی تبدیل کنیم و یا چگونه می‌توانیم از داستانک‌نویسی در کلاس‌های انشا برای تقویت نویسندگی دانش‌آموزان استفاده کنیم. در این مقاله، انواع داستانک و ویژگی‌های آن‌ها نیز معرفی می‌شود.

نویسنده مقاله کوشیده است در حدّ توان تجربه کلاس‌های انشای خود را در اختیار خوانندگان محترم بگذارد؛ چون معتقد است که احیای کلاس‌های انشا در مدارس اگر بدون استفاده از تجارب همکاران فرهنگی صورت گیرد، نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه خود مشکلی می‌شود مزید بر مشکلات دیگر.

کلیدواژه‌ها: داستانک، مینی‌مال، داستان کوتاه

مقدمه

داستانک از نوشته‌های مینی‌مال است که به علت جذابیت، کوتاهی و شاید آسانی در آموزش و یادگیری آن (دست‌کم در مراحل ابتدایی) می‌تواند در تمام دوره‌های تحصیلی در کلاس‌های درس انشا مورد استفاده قرار گیرد. دانش‌آموزان با تمرین نوشتن این گونه ادبی می‌توانند بسیاری از خاطرات، لطیفه‌ها، مطالب علمی و دانسته‌های دینی، سیاسی، فرهنگی خود را به داستانک تبدیل کنند و با این کار ضمن تأمل بیشتر در دانسته‌های خود، به تدریج به نویسنده‌ای خلاق تبدیل شوند.

موضوع این مقاله بی‌سابقه نیست اما نویسنده آن به جای کلی‌گویی درباره داستانک و داستانک‌نویسی، با ارائه نمونه‌هایی به عنوان الگو به خواننده کمک می‌کند تا گام‌به‌گام با نوشتن آن نوع ادبی آشنا شود و در نهایت، خود قلم بردارد و نوشتن را در کنار خواندن مقاله تجربه کند.

داستانک و انواع آن

از داستانک تعریف جامعی ارائه نشده است. در ایران زمانی به اسم «چیزها» و بعد به اسم «گلیوته‌ها» شهرت یافت (یوسفی، ۱۳۸۸: ۷۸). آنچه مسلم است، داستانک‌نویسی به شیوه‌ای که امروزه با نام و عنوان جدید و به عنوان قالبی مستقل رایج شده، پدیده‌ای نو است و

به ماهیت این مقاله (که در مورد انواع داستانک و تمرین داستانک‌نویسی در کلاس‌های انشاست)، به وقت و مقاله‌ای دیگر وا می‌گذاریم و به همین مقدار بسنده می‌کنیم که «اولین جستار تئوریک درباره داستان کوتاه که به قلم ادگار آلن پو نوشته شده است، مبنای مهمی در تکوین ساختار داستان‌های

از انواع داستان‌های مینی‌مال و یا به عبارتی داستانک هستند که متفاوت با داستان‌هایی است که داستان کوتاه نامیده می‌شوند و تعداد کلمات آن‌ها را در حد معمول بین هزار تا چهار هزار کلمه (یونسی، ۱۳۸۸: ۸) نوشته‌اند. با وجود این، صرف‌نظر از این تقسیم‌بندی، تشخیص داستان کوتاه از داستانک نوع



باید در رابطه با جریان مینی‌مال که «به معنای حداقل‌گرایی» (سلیمانی، ۱۳۷۲: ۸۸) است، به آن پرداخت و شاید منافاتی نداشته باشد که با اندکی اغماض، آن را نه گونه‌ای دیگر بلکه ادامه همان حکایت‌هایی بدانیم که از دیرباز در میان ملل مختلف، به‌ویژه در مشرق زمین، رواج داشته است.

در اینکه چند سال از عمر چهارصد ساله داستان (درویشیان و دیگران: ۱۳۸۲: ۷) سهم داستانک‌نویسی - به عنوان قالبی مستقل - می‌شود حرف‌ها و سخن‌ها گوناگون است و این مبحث را که بیشتر در حوزه بحث‌های تاریخی داستان و داستانک‌نویسی است، با توجه

مینی‌مالیستی به حساب می‌آید. گروهی از منتقدان ادبیات داستانی، این مقاله آلن پو را اولین بیانیه غیررسمی مینی‌مالیست‌ها محسوب کرده‌اند؛ بی‌آنکه تأثیر آثار کسانی چون روبرت والترز، فرانتس کافکا، برتولت برشت و ساموئل بکت را در دید آمدن آن و یا آنتوان چخوف و ارنست همینگوی را در تکوین ساختار داستان‌های مینی‌مالیستی نادیده بگیرند» (جزینی، ۱۳۷۸: ۳۵).

میکروفیکشن که بین ۱۰ تا ۳۰۰ کلمه و فلش فیکشن که بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه است (جی . دلبیو. توماس، ۱۳۸۸: ۸۰) دو گونه رایج

دوم (فلش فیکشن) چندان راحت و شاید در مواردی اصلاً ممکن نیست. با توجه به آنچه بیان شد، انواع داستانک را می‌توان به شرح زیر معرفی کرد: میکروفیکشن (داستان کوتاه کوتاه داستانک).

فلش فیکشن (داستان کوتاه کوتاه): (بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه).

از این تقسیم‌بندی چنین برمی‌آید که حجم کم داستانک و به عبارتی شدت ایجاز، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه داستانک است و به تعبیر رابرت براونینگ «کم هم زیاد است» (جزینی جواد، ۱۳۷۸: ۳۶)؛ یعنی برای نوشتن

داستانک هر چه کم هم گفته شود، زیاد است یا فقط چیزی را باید نوشت که لازم و ضروری است. کلام یا کلمه اضافی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات می‌افزاید. چون اساساً اغلب افرادی که به خواندن داستانک روی می‌آورند، اگر نگوییم همیشه، دست کم در همان لحظه‌ای که به خواندن این‌گونه ادبی مشغول‌اند، حوصله زیاد خوانی و کش و قوس دادن اصل مطلب را ندارند. چنین افرادی در ظرف چند دقیقه می‌خواهند به اصل مطلب برسند.

برای نوشتن داستانک، آشنایی با اصول داستان‌نویسی شرط لازم نیست اما شناخت این اصول می‌تواند در پیشرفت کار و بهتر شدن اثر تا حد زیادی به نویسنده کمک کند؛ به شرط اینکه به جای تمرین نوشتن داستانک، همه همت خود را صرف یادگیری این اصول نکند. به عبارتی، برای موفقیت در امر نوشتن بیش و پیش از هر چیز باید به تمرین نوشتن پرداخت نه یادگیری اصول نوشتن. البته صبر و حوصله داشتن، خواندن نوشته‌های خوب و تدبیر در آن‌ها نیز در کنار تمرین نوشتن می‌تواند موجب توفیق روزافزون ما در امر داستانک‌نویسی باشد. نوشته‌ها فرزندان اندیشه‌های ما هستند. اگر با این فرزندان رفتار مناسب نشود، درست تربیت نخواهند شد و ممکن است قبل از اینکه به سن بلوغ برسند، دچار انحراف گردند و یا به خاطر ابتلا به ویروس وسواس نوشتن، دیر یا زود از چرخه زندگی روزمره ما خارج شوند.

پس، این نکته مهمی است که باید در کلاس انشا به آن توجه کرد و دانش‌آموزان را بیش و قبل از هر چیز به نوشتن تشویق کرد نه به یادگیری اصول نوشتن. اگر دانش‌آموز به نوشتن تشویق شود، خود به دنبال اصول نوشتن هم خواهد رفت ولی اگر با اصول و قواعد متنوع نوشتن آشنا شود و در نوشتن تشویق نشود، بیشتر بر وسواس نگارش و در نتیجه اضطراب او برای ارائه یک نوشته مقبول افزوده خواهد شد.

در ادامه، چند توصیه لازم در مورد چگونگی نوشتن داستانک را می‌آوریم و بعد، با ذکر نمونه‌ها به چگونگی داستانک‌نویسی در کلاس‌های درس انشا می‌پردازیم.

چند توصیه لازم در مورد داستانک‌نویسی:

با بررسی داستانک‌های موفق پی می‌بریم که برای نوشتن داستانک بهتر است:

۱- مقدمه چینی نکنیم؛

اگر دانش آموز به نوشتن تشویق شود، خود به دنبال اصول نوشتن هم خواهد رفت ولی اگر با اصول و قواعد متنوع نوشتن آشنا شود و در نوشتن تشویق نشود، بیشتر بر وسواس نگارش و در نتیجه اضطراب او برای ارائه یک نوشته مقبول افزوده خواهد شد

۲- داستانک را از بطن اتفاق آغاز کنیم؛ برای مثال، مردی در حال دویدن است و بمبی در مسیر حرکت او قرار دارد. شرح بیشتری از جزئیات لازم نیست. خواننده خودش می‌تواند جاهای خالی داستان را پر کند؛

۳- یک معمای کوچک جذابیت داستان را تا انتها حفظ می‌کند؛ خواننده داستان ما تا حد ممکن نباید از ابتدا حدس بزند که چه حادثه‌ای در حال شکل‌گیری است و لازم است سؤال معروف «بعد چه خواهد شد» از ابتدا تا انتهای داستانک ذهن او را به خود مشغول کند.

۴- از ارجاعات بینامتنی استفاده کنیم؛ یعنی با بهره‌گیری از ارجاع به داستان‌های مشهور (مثل لیلی و مجنون و ...) و اتفاقات مورد توجه (مثل انفجار برج‌های دوقلو)، می‌توانیم از به کار بردن کلمات و توضیحات اضافی پرهیز کنیم.

۵- سعی کنیم پایان داستانک ما پرکشش

باشد و حرف اصلی را در پایان آن بزنیم؛
۶- داستانک فضای کافی برای شخصیت‌پردازی و توصیف‌های پرکش و قوس ندارد؛ پس بهتر است از شخصیت‌پردازی و توصیف‌هایی که حوصله خواننده کم حوصله داستانک را سر می‌برد، بپرهیزیم. همچنین باید توجه داشتیم که شخصیت‌های داستانک محدود و اغلب ایستا هستند؛ چون پرداختن به شخصیت‌های زیاد و پویا در حجم کم داستانک مقدور نیست و امکان تغییر شخصیت در اشخاص داستانک تقریباً وجود ندارد.

منابع

۱. جزینی، جواد. (۱۳۷۸). ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی. ماهنامه کارنامه. دوره اول. شماره ۶.
۲. جسی دلیو، توماس. (۱۳۸۸). هفت شیوه برای نوشتن فلش فیکشن. ترجمه علیرضا اجلی. مجله انشا و نویسندگی. دوره اول. شماره ۲.
۳. درویشیان، علی اشرف؛ خندان، رضا. (۱۳۸۲). داستان‌های محبوب من. ج اول. تهران: نشر چشمه.
۴. سلیمانی، محسن. (۱۳۷۲). واژگان ادبیات داستانی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۵. یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۸). هنر داستان‌نویسی. ج سوم. تهران: امیرکبیر.
۶. یونسی، محمدرضا. (۱۳۸۸). داستانک راه ورود به قلب بچه‌ها. مجله انشا و نویسندگی. دوره اول. شماره ۱.

پوزش و اعتذار:

در شماره ۱۲۳

۱. نام خانم فاطمه دیناروند، به عنوان یکی از نویسندگان مقاله رمزگشایی نمادها در کتاب‌های درسی ادبیات متوسطه از قلم افتاده است.

۲. نام «دکتر اکبر شاملو» نویسنده مقاله «پرورش واژه و هنجارگریزی در کتب فارسی متوسطه اول» که در صفحه ۱۳ به چاپ رسیده؛ به اشتباه به جای «اکبر» به صورت «احمد» تایپ شده است.